

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴



مرحله اول

پایه یازدهم

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
فلسفه	درس ۱ صفحه ۱ تا ۱۱	۲	۴	مجید پیرحسینلو	شبیر قنبری محمدحسین غلامی

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۴



فلسفه (۱)

درس ۱: چیستی فلسفه

مواجهه انسان با مسائل گوناگون در زندگی روزمره خودنمایی سؤال‌های خاص و به فکر واداشتن انسان برای ساعات طولانی، مثل این که آزادی چیست؟ چرا درد و رنج هست؟ و ...

انسان و تفکر

پرسشگری: یکی از ویژگی‌های انسان
چرا: کلمه‌ای که انسان کنجکاوی خود را با گفتن آن به اطرافیان نشان می‌دهد.
معنای سؤال کردن: چیزی را نمی‌دانیم و به دنبال دانستن هستیم.
تفکر: واسطه رسیدن انسان از مجهولات و پرسش‌ها به معلومات و پاسخ‌ها

نکته

تفکر در تعریف منطقی‌اش شامل تعریف و استدلال است.

مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر طبق کتاب درسی: (ترتیب بسیار مهم است).

۱ روبه‌رو شدن با مسئله ۲ طرح سؤال ۳ تفکر در اندوخته‌ها ۴ رسیدن به پاسخ

مرحله اول: (تفکر غیرفلسفی) جست‌وجوی پاسخ به سؤالات معمولی و روزانه

مرحله دوم: (تفکر فلسفی) جدی گرفتن سؤالات بنیادین و پرداختن به آن‌ها و به دنبال یافتن پاسخ برآمدن (تمرین «تفکر فلسفی»)

دو مرتبه از تفکر

مراحل تفکر فلسفی طبق کتاب درسی: (ترتیب بسیار مهم است)

۱ روبه‌رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی ۲ طرح پرسش‌های فلسفی ۳ رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال ۴ رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

فطرت اول: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها (= تفکر غیرفلسفی) / ماندن در آن شایسته انسان نیست.

فطرت ثانی: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها (= تفکر فلسفی) / مرحله‌ای برتر و عالی‌تر / انسان‌ها باید بکوشند از فطرت اول عبور کرده و به فطرت ثانی برسند.

تقسیم‌بندی ملاصدرا از مراتب تفکر

دانش فلسفه

فلسفه: دانش عهده‌دار بررسی قانونمند سؤال‌های اساسی و بنیادین انسان.
افرادی (و نه همه) از ابتدای شروع حیات فکری انسان به اهمیت پرسش‌های بنیادین پی بردند و با دقت بسیار به دنبال پاسخ صحیح آن‌ها بودند.
بدون پاسخ درست و قانع‌کننده به پرسش‌های بنیادین، آدمی به تصمیم‌گیری روشن و درست نمی‌رسد.



واژه فلسفه

فلسفه	
تعریف لغوی	دارای ریشه یونانی، عربی شده کلمه فیلسوفیا، فیلسوفیا: ترکیب دو کلمه «فیلو» = دوستداری و «سوفیا» = دانایی ← فیلسوفیا (فلسفه): دوستداری دانایی / فیلسوفوس (فیلسوف): دوستدار دانش
معنای اول	دوستداری دانایی
معنای دوم	مطلق دانش (همه دانش ها) / فیلسوف (در این معنا) = دانشمند
معنای سوم	دانش خاص: دانش عهده دار پاسخ قانونمند به پرسش های بنیادین
رواج دهنده این واژه	سقراط (خودش را فیلسوفوس (فیلسوف): دوستدار دانش نامید).

سوفیست	
تعریف لغوی	دانشمند (سوفیا: دانایی)
معنای اول	دانشمند (به کار بردن دانشمندان زمان سقراط و قبل از او برای خود)
معنای دوم	مغالطه کار (سفسطه (عربی) = مغالطه کاری)

(۱) بی علاقه‌گی برخی از ایشان (بیشتر مشغول به تعلیم سخنوری و وکالت) به بیان واقع و دفاع از حقیقت

(۲) پیروزی بر رقیب؛ مهم ترین هدف

(۳) استفاده بیشتر از مغالطه در استدلال هایشان (ظاهر درست و باطن غلط)

(۴) بی اعتباری تدریجی حقیقت و واقعیت در نظرشان (هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است).

سوفیست ها

به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم

چرا سقراط خود را
سوفیست ننماید؟

(شاید) به خاطر هم ردیف نشدن با سوفیست ها

با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف، هر شاخه علمی نام ویژه ای پیدا کرد و فلسفه نام دانش خاص برای پاسخ به بنیادی ترین مسائل شد. (پاورقی صفحه ۸ کتاب درسی بسیار مفید است).

سیر تحول واژه فلسفه:

① فلسفه به معنای دوستداری دانایی ② فلسفه به معنای مطلق دانش ③ فلسفه به معنای دانش خاص

موضوع

دو معیار برای جداسازی
دانش ها از هم

روش



موضوع سایر علوم (غیر از فلسفه): موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان

موضوع فلسفه: اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان / بررسی ویژگی‌های هستی و موجودیت موجودات / مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم

موضوع فلسفه،
بنیادی‌ترین موضوعات

روش کسب دانش در علومى مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی: روش‌های تجربی

روش کسب دانش در فلسفه: تکیه بر توانایی عقل و استدلال‌های عقلی (تفکر، تعقل، تجزیه و تحلیل دانسته‌ها، عملیات فکری و استدلالی)

فلسفه از جهت روش، مانند ریاضی (از جهت موضوع دارای اختلاف)

استفاده از روش
عقلی و قیاسی